

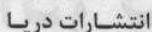
ترازِ دادزیستی

عدالت قضایی و فرهنگی

در

نوع البلاغه

مصطفی دلشاد تهرانی



تراز دادزیستی: عدالت قضایی و فرهنگی در نهج البلاغه

مؤلف: مصطفیٰ دلشاد تهرانی

حروف مجیں و صفحہ آرا: محمد ملک زادہ • طراح جلد: الہہ باقری

چاپ و صحافی: روز

نوبت چاپ: چاپ اول، پاییز ۱۳۹۵

ش. رگان: ۵۰۰ نسخه • قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-7313-60-5 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۳۱۳-۶۰-۵

سرشناسه : دلشاد تهرانی، مصطفی، ۳۴ :
عنوان و نام پدیدآور : تراز دادزبستی: عدالت قضایی و فرهنگ در نهج البلاغه / مصطفی دلشاد تهرانی.
مشخصات نشر : تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۲۰۲ ص.
شابک : 978 - 964 - 7313 - 60 - 5
وضعیت فهرست نویسی : فنیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ - دیدگاه درباره قضایات
موضوع : Views on judgment - - ibn Abi-talib, Imam I. 600-661 :
موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ - دیدگاه درباره رفق
موضوع : Views on law - - Ali ibn Abi-talib, Imam I. 600-661 :
موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ - نهج البلاغه - عدالت
موضوع : Justice - - Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah :
موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ - نهج البلاغه - جنبه های حقوقی
موضوع : Legal aspects - - ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah :
موضوع : قضاوت - جنبه های مذهبی - اسلام
موضوع : Islam - - Religious aspects - Judgment :
موضوع : اسلام و حقوق
موضوع : Islam and law :
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ د ۵ ق ۶ / ۳۸ / BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۵۳۴۴۳

فهرست مطالب

۹	دییاجه
۱۱	۱. عدالت و عدالت‌خواهی در نگاه امام علی (ع)
۱۲	۲. گسترده عدالت در اندیشه علوی
۱۵	۳. ایستادگی امیرمؤمنان علی (ع) بر عدالت
۲۲	۴. مفهوم‌شناسی عدالت
۲۲	۱-۴. قرار دادن و قرار یافتن در چیز و جای خودش
۲۵	۲-۴. انصاف و داد
۲۸	۳-۴. مساوات
۳۴	۴-۴. رعایت حقوق و رساندن هر ذی‌حقی به حقی
۳۶	۵-۴. اعتدال و میانه‌روی
۳۷	۵. نهج‌البلاغه و مؤلف آن
۴۳	۶. روش‌های مطالعه و تحقیق نهج‌البلاغه
۴۴	روش ترتیبی
۴۶	روش تجزیه‌ای
۴۶	روش موضوعی
۴۹	عدالت قضایی
۵۱	جایگاه عدالت قضایی

- ۵۹ لوازم عدالت قضایی
- ۶۱ گزینش قاضیان
- ۶۸ تأمین مالی قضات
- ۶۹ امنیت شغلی قضات
- ۷۰ پاسداشت آداب قضاوت
- ۷۰ پاسداشت برابری میان طرفین دعوا
- ۷۷ پرهیز از قضاوت در حال نامناسب
- ۷۹ قضاوت نکردن پیش از شنیدن سخنان طرفین دعوا
- ۸۲ در گوشه صحت نکردن در محکمه
- ۸۲ پرهیز از عصبانیت و تأمل و درنگ پیش از صدور حکم
- ۸۳ وحدت رویه قضایی
- ۸۸ مراقبت از قاضیان و تساوت آنان
- ۸۹ عزل قاضیان متخلف از عادات آداب قضاوت
- ۹۰ پاسداشت اصول دادرسی کیفری
- ۹۱ حفظ حرمت و کرامت متهم و مدعی
- ۹۲ ممنوعیت آزار و شکنجه متهم در اثنای بازجویی
- ۹۵ علنی بودن محاکمه
- ۹۶ آزادی متهم در دفاع از خویش
- ۹۸ حکم بر اساس ظواهر
- ۱۰۰ رعایت احتیاط در مجازات
- ۱۰۳ حقّ اعتراض به رأی قاضی (حقّ تجدیدنظرخواهی در حکم)
- ۱۰۵ عدالت فرهنگی
- ۱۰۷ جایگاه عدالت فرهنگی

۱۱۱	لوازم عدالت فرهنگی
۱۱۳	آموزش و پرورش همگانی
۱۱۷	آگاهی‌یابی و گردش آزاد اطلاعات
۱۲۶	پاسدداشت سنت‌ها و آیین‌های درست، و نفی سنت‌ها و آیین‌های نادرست
۱۳۱	خرافات‌زدایی
۱۴۴	زدودن فرهنگ چاپلوسی و ستایشگری، و ترویج فرهنگ انتقاد و خیرخواهی
۱۵۷	نفی فرهنگ ریاکاری و فریبکاری و تثبیت فرهنگ راستی و درستی
۱۶۱	نفی شخصیت‌زدگی و ترویج حق‌معیاری
۱۶۴	امر به معروف و نهی از منکر
۱۷۵	نمایه
۱۸۱	منابع و مآخذ

۱. عدالت و عدالت خواهی در نگاه امام علی (ع)

در نگاه امیر مؤمنان علی (ع) هیچ چیز چون عدالت و عدالت خواهی، قدر و قیمت ندارد، و هیچ چیز در جایگاه و اهمیت با آن برابری نمی کند، چنان که در بیانی روشن و اسرار آمیز موده است:

«وَمَا أَعْمَلُ إِلَّا لِلَّهِ وَالْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا سَهْمًا فِي بَحْرِ لُجْجٍ؛ وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرِّبَانِ مِنْ أَجْرٍ، وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ. وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَانِبٍ»^۱

همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون آب دهانی است در برابر دریای پره رنج بهناور. و همانا امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک کنند، و نه از مقدار روزی بکاهند. و برتر از همه اینها سخن عدالت [حوالان] است که پیش روی حاکمی ستمگر گویند.

امام علی (ع) عدالت خواهی را از هر کار نیک و هر تلاش در راه خدا، برتر و والاتر می داند؛ و بی گمان اگر کسی چنین به عدالت و عدالت خواهی بنگرد، بیشترین تلاش را در راه عدالت و تحقق همه جانبه آن خواهد کرد؛ و امیر مؤمنان علی (ع) خود چنین بود و چنین کرد. او عدالت را بنیاد اصلی زندگی

آدمیان می‌دید که بدون آن همه چیز بی‌بنیاد است. در آموزه‌های آن حضرت آمده است:

«الْعَدْلُ أَقْوَى أَسَاسٍ»^۱

عدالت، محکم‌ترین بنیاد است.

این بنیاد، مهم‌ترین بنیاد در زندگی آدمیان و مایه سلامت و بهروزی آنان است:

«الْعَالُ حَيَاةٌ»^۲

عدالت، زندگی است.

«الْعَدْلُ قَلَمُ الرَّعِيَّةِ»^۳

عدالت، برپاداره مردمان است.

«جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْعَدْلَ قَوْلًا لِلْإِثْمِ، وَتَنْزِيهَا مِنَ الْمَظَالِمِ وَالْإِثْمِ، وَتَسْنِيَةً لِلْإِسْلَامِ»^۴

خدای پاک از هر کاستی، عدالت را برپادارنده مردمان، مایه دوری آنان از ستم‌ها و گناهان، و روشنی چراغ اسلام قرار داده است.

بسامانی جامعه، سلامت روابط و مناسبات آن در حوزه‌های گوناگون، پیشرفت و تعالی فردی و اجتماعی و... همه و همه در گرو عدالت است؛ حتی دین و دینداری، منهای عدالت و عدالت‌ورزی، راه به جایی نمی‌رود.

۲. گستره عدالت در اندیشه علوی

در اندیشه امام علی (ع) عدالت تدبیرکننده‌ای عمومی و فراگیر است که همه چیز

۱. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۱۶؛ عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۳۵.

۲. شرح غررالحکم، ص ۶۴.

۳. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۸۳؛ عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۳۵.

۴. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۳۷۴؛ عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۲۲۳.

را زیر پوشش خود به سامان می آورد و در سایه آن همگان به درستی بهره مند می شوند و به حقوق شایسته خویش می رسند. به بیان امیرمؤمنان (ع):

«وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ»^۱

عدالت تدبیرکننده ای فراگیر است.

در پرتو عدالت فراگیر، همه مردمان از سامان سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و فرهنگی برخوردار می شوند، و برکت ها فراگیر می گردد.

«بِالْعَدْلِ تَصْلُحُ الرِّعْيَةُ»^۲

با عدالت است که کار شهروندان اصلاح می شود.

«بِالْعَدْلِ يَنْتَفِعُ الْبَرَكَاةُ»^۳

به سبب عدالت، برکت ها دوچندان می شود.

گستره عدالت، چنان است که همه کس و همه چیز را دربر می گیرد و آباد می سازد. به بیان امام علی (ع):

«مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ»^۴

با هیچ چیز چون عدالت، شهرها آبادان نگردیده است.

عدالت شاهراهی است که همه را به سر منزل می رساند، حتی آنان که عدالت را برنمی تابند و آن را مخالف منافع خود می دانند. امیرمؤمنان علی (ع) در خطبه ای که روز دوم پس از به دست گرفتن حکومت ایراد کرد، درباره برگرداندن زمین هایی که عثمان به تیول داده بود فرمود:

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

۲. شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۲۰۶؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۸۵.

۳. شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۰۵؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۸۸.

۴. شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۶۸؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۸۱.

۵. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۶۹.

«وَاللَّهُ لَوِ وَّجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ، وَ مُلِكَ بِهِ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ. فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ.»^۱

به خدا سوگند، اگر زمینی را بیابم که به کابین زنان رفته، و یا بهای خریداری کنیزکان شده باشد، بی گمان آن را باز می گردانم، که در عدالت گشایش است، و هر که عدالت بر او تنگ آید، بی عدالتی بر وی تنگ تر آید.

امیرمؤمنان علی (ع) عدالت را سبب وسعت و گشایش و بسامانی برای همه مردمان می داند، تا جایی که در گستره عدالت، ناخواهان آن، و ستم پیشگان و خلافکاران نیز به بهره های درست می رسند و از ستم و خلاف که در حقیقت جز محرومیت و سخت رپی ندارد، در امان می مانند.

بنابراین عدالت گستره ای دارد که برای همگان - هرگونه که باشند - مطلوب ترین راه و رسم است؛ و چیزی جز آن، جامعه را به سامان درست نمی رساند.

«الرَّعِيَّةُ لَا يُصْلِحُهَا إِلَّا الْعَدْلُ.»^۲

جامعه را چیزی جز اجرای عدالت اصلاح نمی کند.

از منظر پیشوای عدالت گرایان، این تصور که جز در پرتو عدالت بتوان اصلاحاتی کرد و زمینه رشد و تعالی ای فراهم نمود، تصویری دور و واقع است، و فقط در سایه آن است که کار شهروندان به سامان می آید، بالایی جامعه به درستی تدارک می گردد، درهای رحمت و برکت بر مردمان گشوده می شود، و مسیر حرکت به سوی کمال برای آدمیان هموار می گردد.

«الْعَدْلُ يُصْلِحُ الْبَرِيَّةَ، صَلَاحُ الرَّعِيَّةِ الْعَدْلُ.»^۳

۱. نهج البلاغه، کلام ۱۵.

۲. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۴؛ عیونالحکم و المواعظ، ص ۴۸.

۳. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۱۳۳، ج ۴، ص ۱۹۶، عیونالحکم و المواعظ، صص ۴۱.

عدالت مردمان را اصلاح می‌کند و مایه اصلاح و سامان یافتن شهروندان است.

گستره عدالت در اندیشه و سیره پیشوای عدالت‌خواهان، علی (ع) همگان را دربر می‌گیرد، و انسان و هر حوزه‌ای از زندگی انسانی را پوشش می‌دهد. از این رو عدالت وجوهی می‌یابد که لازم است در همه آن وجوه پاس داشته شود: وجوه فردی، اجتماعی، سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و جز این‌ها.

۳. ایستادگی امیرمؤمنان علی (ع) بر عدالت

امیرمؤمنان علی (ع) هیچ چیز چون عدالت ایستادگی نشان نداده و بر هیچ امری چون آن اصرار نرزیده است. آن حضرت در مواردی مصلحت‌اندیشی نشان می‌داد و بر آن حد درس می‌دانست و برخی یاران یا گروه‌های اجتماعی، خلاف آن را می‌خواستند. اصرار نمی‌کرد و از نظر خود کوتاه می‌آمد؛ اما بر تحقق عدالت پای می‌فشرد و درباره هر کس که در آن سخت برمی‌آشفته، و هیچ چیز چون ستم و بیداد بر مردمان او را از رده نمی‌برد، سخت و به واکنش و انمی‌داشت. در سخنی تحلیلی درباره حوادث پس از پیامبر (ص) و به پا خاستن برای یاری مسلمانان از بیم نابودی اسلام و نیز موضع‌گیری با خود در برابر ستمگران شام و نگرانی از قدرت یافتن نابخردان و تبه‌کاران و بیداد بر مردمان، نکاتی فرموده است که این موضع حضرت کاملاً گویاست:

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ مُهَيِّمًا عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ فَلَمَّا مَضَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تَنَازَعَ الْمُسْلِمُونَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ. فَوَاللَّهِ مَا كَانَ يُلْقَى فِي رُوعِي وَلَا يَخْطُرُ بِنَالِي أَنَّ الْعَرَبَ تُزْجِعُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَلَا أَنَّهُمْ مَنَحُوهُ عَنِّي مِنْ بَعْدِهِ؛ فَمَا رَاعَنِي إِلَّا اثْنِيَالِ النَّاسِ عَلَى فُلَانٍ يَبَايَعُونَهُ. فَأَمْسَكْتُ يَدَيَّ حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْإِسْلَامِ، يَدْعُونَ إِلَى مَحَقِّ

دینِ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرِ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثَلَمًا أَوْ هَدْمًا، تَكُونُ الْمُصِيبَةُ بِهِ عَلَيَّ أَعْظَمَ مِنْ قُوْتٍ وَلَا يَتَكُمُّ إِلَيَّ إِنَّمَا هِيَ مَتَاعٌ أَيَّامٍ قَلِيلٍ، يَزُولُ مِنْهَا مَا كَانَ، كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ، وَ كَمَا يَتَفَشَّعُ السَّحَابُ؛ فَتَهَضَّتْ فِي تِلْكَ الْأَخْدَاتِ حَتَّى زَاغَ الْبَاطِلُ وَ زَهَقَ، وَ اطمأنَّ الدِّينُ وَ تَنَهَّنَا.

اِنِّي وَاللَّهِ لَوْ لَقِيتُهُمْ وَاحِدًا وَ هُمْ طِلَاعُ الْأَرْضِ كُلِّهَا، مَا بَالَيْتُ وَلَا سَتًا حَشْتُ، وَ إِنِّي مِنْ ضَالِّهِمْ الَّذِي هُمْ فِيهِ وَ الْهُدَى الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ، لَعَلِّي بِصِيرَةٍ مِنْ نَفْسِي وَ يَقِينٍ مِنْ رَبِّي. وَ إِنِّي إِلَى لِقَاءِ اللَّهِ لَمُشْتَاقٌّ، وَ لِحُسْنِ ثَوَابِهِ رَاجٍ؛ فَخِشْنِي أَسَى أَنْ يَلِيَّ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا وَ فُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَا أَرَادُوا دَلَالًا وَ عِبَادَةَ خَوَلَا، وَ الصَّالِحِينَ حَزَنًا، وَ الْفَاسِقِينَ حِزْبًا.^۱

پس [از ستایش و تپاس پروردگار، و درود بر پیامبر بزرگوار، همانا خدای سبحان محمد (ص) را باک نداشت تا جهانیان را [از نافرمانی او] بیم دهد، و گواه پیامبران [پس از خرد] گردد. چون او به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار و کوشش، و هم افتادند [و دست ستیز گشادند]. و به خدا در دلم نمی گذشت و به خوارم نمی رسید که عرب خلافت را پس از پیامبر (ص) از خاندان او برآرد یا سرا پس از وی از عهده دار شدن آن بازدارد، و چیزی مرا نگران نکند. و به شگفتم نیاورد، جز شتافتن مردم بر فلان از هر سو و بیعت کردن با او پس دست خود بازکشیدم، تا آن که دیدم گروهی در دین خود نمائندند، و از اسلام روی برگرداندند، و مردم را به نابود ساختن دین محمد (ص) خواندند. پس ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه ای در آن بینم یا ویرانی ای؛ که مصیبت آن بر من سخت تر [از محروم ماندن از خلافت]

است، و از دست شدن حکومت شما، که روزهایی چند است که چون سرابی نماند، یا چون ابر که فراهم نشده پراکنده گردد. پس در میان آن آشوب و غوغا برخاستم تا جمع باطل بپراکنید و محو و نابود گردید، و دین استوار شد و بر جای بیارمید.

به خدا اگر یکه و تنها با آنان روبه‌رو شوم و آنان همه زمین را پر کرده باشند، نه باکی دارم و نه از تنهایی هراسی به خود راه می‌دهم، که من بر گمراهی آنان و رستگاری خود نیک آگاهم و با یقین از جانب پروردگار هم راه؛ و من آرزومند دیدار خدایم و پاداش نیک او را می‌بایم، لیکن آنچه مرا اندوهگین می‌کند آن است که کار سرپرستی این امت به دست نابخردان و تبهکاران بشان بیفتد، و در نتیجه دارایی خدایی را دست دست می‌ان خرد بگردانند، و بندگان او را به بردگی خود گیرند، و با شایستگی به دشمنی برخیزند، و با تبهکاران به ساختن دار و دسته بپردازند.

امیرمؤمنان علی (ع) برای حفظ دین و ایمان، مسلمانی، و برای جلوگیری از تشتت و تفرقه و جدایی، به مدارا و همراهی با کسانی که پس از پیامبر (ص) بر سر کار آمدند روی آورد؛ اما آن هنگام که بر مسند زمامداری نشست و این امکان را یافت که ستم را پایان دهد و عدالت همه جانداران را برقرار سازد، با عوامل ستم‌ساز هیچ همراهی نمود و در برابر قاسطین سخت ایستاد؛ و در این سخن به صراحت آموخته است که اگر آن ستمگران همه زمین را پر کرده باشند، از رویارویی با آنان و تلاش برای برپایی عدالت، بیمی در او نیست، و برای تحقق عدالت به تمامی می‌ایستد.

ایستادگی علی (ع) بر عدالت چنان بود که حاضر نشد سرپرستی معاویه را یک شب ظلمانی که چشم، چشم را نمی‌بیند، بر دو نفر از مردمان تأیید کند.^۱

۱. نک: الامالی للطوسی، ج ۱، ص ۸۵؛ بشاره المصطفی، ص ۲۶۳؛ و نیز رک: مناقب

آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۵؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۴؛ القدير، ج ۶، ص ۱۴۲.